یادداشت روز

مراقب راهبردهای دشمن در مذاکرات عمان باشیم!

طی دو هفته گذشته دو دور از مذاکرات هسته‌ای بین ایران و آمریکا البته به شکل غیر مستقیم در مسقط پایتخت عمان و رم پایتخت ایتالیا برگزار شد و دور سوم این مذاکرات قرار است روز شنبه ششم اردیبهشت ماه بار دیگر در مسقط برگزار شود و ماهیت آن همچون دور دوم، غیرمستقیم خواهد بود. هرچند گفته شده است که مقدمه نشست هفته آینده، تشکیل نشست کارشناسی است که قرار است از فردا چهارشنبه سوم اردیبهشت ماه در عمان به عنوان میانجی مذاکرات ایران و آمریکا برگزار شود ولی هم تیم هسته‌ای ما و هم طرف آمریکایی می‌داند که نقاط اصلی اختلاف بر سر سقف غنی‌سازی، تضمین رفع تحریم‌ها و ترتیب گام‌های بازگشت به تعهدات است. با این حال، فشار زمانی مهلت ۶۰ روزه ترامپ برای رسیدن به یک توافق و نقش میانجیگری عمان می‌تواند در پیشرفت یا توقف مذاکرات پیش رو تأثیرگذار باشد.

درباره مذاکرات عمان و کار بسیار سختی که تیم هسته‌ای و قابل اعتماد ما به خصوص تیم کارشناسی از فردا خواهد داشت، چند نکته وجود دارد:

۱-تجربه گذشته ما از برجام و روندی که همواره آمریکایی‌ها در مباحث امتیازگیری و امتیازدهی در موضوعات اختلافی طرفین دنبال می‌کردند باید تاکنون ثابت کرده باشد که با بیش از دو دهه گفت‌وگو در موضوع هسته‌ای،حالا دیگر جای هیچ خطا و اشتباهی وجود ندارد و تیم هسته‌ای، به‌ویژه تیم کارشناسی که قرار است از فردا وارد جزئیات هر گونه توافقی شوند حتما به واژه واژه نظرات طرف آمریکایی در این مذاکرات دقت خواهند کرد تا مبادا اشتباهی همچون متن برجام که محمد جواد ظریف وزیر خارجه وقت کشورمان بعد از تصویب برجام و آنجا که دیگر کار از کار گذشته بود اعتراف کرد که ما در متن برجام که چند جا به‌جای واژه «لغو» (Termination) از واژه «تعلیق» (suspension) در تحریم‌ها استفاده شده بود، دقت لازم را نکرده بودیم، اتفاق بیفتد.آن تجربه تلخ و اشتباهات دیده نشده در متن برجام که گریه برخی دلسوزانی همچون مرحوم علی اصغر زارعی نماینده مردم تهران که واقعیت متن نوشته شده در برجام را می‌دیدند اما برخی امضای «جان کری» وزیر خارجه آمریکا را به جای دقت در واژه‌های متن برجام ترجیح داده بودند و به فریاد دیگران توجه نمی‌کردند، به هیچ وجه نباید تکرار شود.

۲-فراموش نکنیم وقتی طرف آمریکایی مهلت زمانی ۶۰ روزه برای مذاکرات پیش رو تعیین می‌کند حتما یک برنامه جایگزین (plan B) را بعد از این تاریخ برای خود تعریف کرده است. دونالد ترامپ در دور اول رئیس‌جمهوری‌اش در ژانویه ۲۰۱۷ (بهمن ۱۳۹۵) وارد کاخ سفید شد و پیشتر در دوره تبلیغات رئیس‌جمهوری بارها اعلام کرده بود که توافق نوشته شده برجامی را قبول ندارد و از آن خارج خواهد شد. آیا تاکنون از خود سؤال کرده‌ایم که او که مرتب بر طبل خروج از برجام می‌کوبید چرا باید نزدیک به یک‌سال و نیم بعد از ورودش به کاخ سفید در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ از برجام خارج شود؟ جواب این سؤال را باید در همان plan B جست‌وجو کرد که او برای خروجش از برجام طراحی کرده بود. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های ترامپ بعد از ورود به کاخ سفید در دور اول رئیس‌جمهوری‌اش این بود که در مقابل برجام و فراتر از برجام در مقابل «قدرت فزاینده جمهوری اسلامی ایران»چگونه باید رفتار کند؟ دولت ترامپ معتقد بود تا یک استراتژی جامع و کلان در رابطه با ایران تدوین نکرده، نباید در مورد این کشور تصمیم بگیرد.انتقاد ترامپ به دولت «اوباما» این بود که دولت اوباما بدون اینکه یک استراتژی جامع درباره ایران داشته باشد، با ایران توافق هسته‌ای امضاء کرده است.ترامپ نه اینکه معتقد باشد برجام دسترسی ایران به منابع مالی و خروج از بن‌بست تحریم‌ها را باز کرده است، بلکه معتقد بود در توافق برجام فقط به یک جنبه تهدید ایران- بخوانید پیشرفت‌های خیره‌کننده ایران- پاسخ داده شده است و بقیه تهدیدات ایران به‌ویژه پیشرفت در حوزه موشکی، منطقه‌ای و مهم‌تر از همه، رسیدن ایران به دانش‌های نو و بنیادین، نادیده گرفته شده است.

۳-اساسا علت اینکه ترامپ از همان ابتدای روی کار آمدن در دور اول بلافاصله از برجام خارج نشد و دو بار آن را تمدید کرد، به‌خاطر فرصت داشتن برای طراحی یک استراتژی جامع و کلان بود.«استراتژی کلان فشار کوتاه‌مدت مادون جنگ برای تهدید موجودیتی ایران» («A grand strategy of short-term sub-war pressure to pose an existential threat to Iran.») که در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ دنبال شد، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های سیاست فشار حداکثری علیه ایران اسلامی بود. این استراتژی که ماهیتی هیبریدی و ترکیبی از فشار اقتصادی، دیپلماتیک، روانی و نظامی داشت، به گونه‌ای طراحی شده بود که بدون ورود به جنگ مستقیم، ایران را به‌سمت پذیرش خواسته‌های ایالات متحده سوق دهد یا دست‌کم توان و اراده راهبردی‌اش را تضعیف کند.

۴-اگر آن نگاه الهی و هوشمندانه رهبر حکیم انقلاب نبود چه بسا همین رئیس‌جمهور آمریکا که امروز بر توّهم او صحّه می‌گذاریم در پیشبرد راهبرد خود که نتیجه آن «تهدید موجودیتی ایران» عزیزمان بود، موفق می‌شد. رهبر فرزانه و حکیم انقلاب در کمتر از یک ماه پس از خروج ترامپ از برجام در ۱۴ خرداد ۱۳۹۷ در یک سخنرانی تاریخی در حرم حضرت امام (ره) پرده از نقشه شوم آمریکا برداشتند و در تشریح نقشه دشمن در آن مقطع فرمودند: «این نقشه بر سه محور «فشار اقتصادی، فشار روانی و فشار عملی» و با هدف سیطره بر کشور متمرکز است. در این طراحی، فشار اقتصادی از طریق تحریم‌ها و جلوگیری از همکاری اقتصادی کشورها با ایران اعمال خواهد شد.» و در تبیین فشار روانی تاکید داشتند:«دشمن در این بخش از طراحی خود درصدد است نقاط قوت نظام اسلامی و عناصر اقتدار ملی را به نقاط ضعف و چالش برانگیز تبدیل کند تا ملت ایران نسبت به این نقاط قوت بدبین و دلسرد شوند.» و به عنوان نمونه، «پیشرفت‌های هسته‌ای» را یکی از نقاط قوت و افتخار فناوری و دانش کشور دانستند و فرمودند: «توانایی دانشمندان و متخصصان جوان کشور در تولید اورانیوم غنی شده ۲۰درصد، در شرایطی که طرف مقابل انواع شروط و مشکلات را برای تأمین اورانیوم ۲۰درصد جهت مصارف پزشکی مطرح کرده بود، نماد قدرت علمی و فناوری و یک نقطه قوت بزرگ ملی است که برای کشور مایه آبرو شد.»

۵-منافع هر کشوری بر سه پایه استوار است. تعداد انگشت شماری از این منافع «حیاتی» است و بخش زیادی از منافع کشورها «مهم و حساس» و بخش دیگری از منافع «حاشیه‌ای» است. در منافع حیاتی جای هیچ گفت‌وگو و معامله‌ای نیست و کمتر کشوری هم وجود دارد که بر روی منافع مهم و حساس خود نیز معامله کند مگر اینکه همچون اوکراین تا جایی از ارزش‌های ملی و منافع خود فاصله گرفته باشد که هر گونه تحقیر را به جان بخرد و تسلیم خواسته‌های نامعقول ترامپ شود. آنچه در جهان امروز مرسوم است این است که کشورها تلاش دارند برای واحد سیاسی خود منافع «حاشیه‌ای» بسیاری را شناسایی و برای دستیابی به آن از ابزارهای متفاوت استفاده کنند تا در مواقع لزوم بتوانند از این منافع برای امتیاز گرفتن از حریف خود پای میز مذاکره استفاده کنند.شاید تا زمانی که فناوری هسته‌ای ما در مرحله جنینی و نوزادی بود، توجیه‌پذیر بود که فناوری هسته‌ای خود را در زمره منافع حاشیه‌ای به حساب آورده و در میز مذاکره بخشی را داده و امتیازی همسطح بخش واگذار شده دریافت کنیم اما امروز فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ما نه تنها دوره نوزادی، بلکه دوره نوجوانی را هم پشت سر گذاشته است و در چنین شرایطی، فناوری هسته‌ای ایران در زمره منافع «مهم و حساس» کشور قرار دارد. اگر امروز آمریکایی‌ها از آن استراتژی کلان گذشته خود که «تهدید موجودیتی فناوری هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم» ما بود فاصله گرفته‌اند، می‌توانیم در مذاکرات عمان روی بخش حاشیه‌ای این فناوری معامله کنیم. اما پر واضح است که نمی‌توانیم روی موجودیت این فناوری که اکنون در زمره منافع مهم و حساس کشور است، معامله‌ای داشته باشیم.چرا که به گفته همین دو روز پیش رئیس سازمان انرژی اتمی، بیش از ۷۰ قلم رادیو دارو برای بیماران صعب‌العلاج و سرطانی با فناوری هسته‌ای تولید شده و ۲۰ رادیو دارو دیگر در مرحله تست آزمایشگاهی قرار دارد و بیش از ۱۰۰ محصول از این فناوری در بخش‌های مختلف کشور اعم از؛کشاورزی، صنعت و... تولید و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. مگر می‌شود با این همه فراز و نشیب و جانفشانی عزیزانی همچون شهیدان علیمحمدی، شهریاری، روشن، فخری‌زاده و... فعالیت هسته‌ای کشور را با نگاه منافع حاشیه‌ای نگریست و پای میز مذاکره با طرف آمریکایی رفتاری مشابه دهه ۸۰ درخصوص هسته‌ای کشورمان داشت؟ امروز فناوری هسته‌ای نه تنها با دیگر منافع حساس و زیر بنایی کشور گره خورده است، بلکه جزئی لاینفک از منافع حساس کشور محسوب می‌شود. بنابراین، تیم پرتلاش، خستگی‌ناپذیر و قابل اعتماد هسته‌ای‌مان که تجربه بد عهدی آمریکا در سال‌های گذشته را بارها دیده و راهبردهای کلان دشمن را رصد کرده‌اند، لازم است با نگاه به ظرفیت هسته‌ای کشور و رهنمودهای حکیمانه رهبر حکیم انقلاب پای میز مذاکره نشسته و از حقوق ملت بزرگ ایران دفاع کنند و ذره‌ای از اصول ترسیم شده هسته‌ای عدول نکنند که ان‌شاءالله نخواهند کرد.

حسن رشوند

نشنال اینترست خبر داد

گام‌های بلند ایران در تسلیحات هایپرسونیک

وبگاه آمریکایی تاکید کرد: ایران در تسلیحات هایپرسونیک گام‌های بلندی برداشته است.

وبگاه آمریکایی «نشنال اینترست»، با اشاره به سخنان وزیر دفاع این کشور درباره تسلیحات هایپرسونیک، گزارش داد که ایران «گام‌های بزرگی» در این زمینه برداشته است.

این رسانه خبری-تحلیلی در گزارش خود گفته که ارتش آمریکا درباره توانمندی‌های هایپرسونیک ایران، چین، روسیه و کره شمالی، «نگرانی جدی» دارد.

نوزدهم آبان ۱۴۰۱ بود که فرمانده نیروی هوافضای سپاه سردار امیرعلی حاجی‌زاده از دستیابی ایران به موشک‌های هایپرسونیک پیشرفته خبر داد. سردار حاجی‌زاده گفت که این موشک هم در فضا و هم در خارج از آن می‌تواند مانور دهد.

فرمانده نیروی هوافضای سپاه افزود: این موشک جدید از همه سامانه‌های سپر موشکی عبور می‌کند و یک جهش بزرگ نسلی در حوزه موشکی است.

نشنال اینترست در تازه‌ترین گزارش درباره قابلیت کشورهای جهان در زمینه موشک‌های هایپرسونیک، به توانایی ایران اشاره کرد.

این رسانه آمریکایی نوشت: «هشدارهای پیت هگزث، وزیر دفاع ایالات متحده در مورد پیشرفت‌های چین، روسیه، کره شمالی و حتی ایران در زمینه تسلیحات هایپرسونیک، چیزی بیش از ایجاد ترس درباره توانایی‌های قدرت‌های خارجی است و نشان‌دهنده نگرانی‌های جدی و مستدل ارتش ایالات متحده است.»

نشنال اینترست افزود: «چین، همراه با روسیه، کره شمالی و حتی ایران، گام‌های بزرگی در توسعه سلاح‌های هایپرسونیک برداشته‌اند، تسلیحاتی که سرعت آن‌ها پنج برابر سرعت صوت بوده و می‌تواند حین پرواز مانور دهند که این موضوع مقابله با آن‌ها را بسیار پیچیده‌تر از موشک‌های معمولی کروز می‌کند.»

نشنال اینترست پیش از این نیز ماه گذشته در تحلیلی به شهر موشکی جدید ایران پرداخته و تأکید کرده که این رونمایی، در میانه افزایش تنش‌ها در دریای سرخ و غرب آسیا، پیامی برای ایالات متحده و دشمنان ایران بوده است.

به گزارش مشرق، نشنال اینترست در این گزارش اذعان کرده است که ذخایر موشکی ایران در دهه گذشته به طور چشمگیری افزایش یافته است.

جمهوری اسلامی در پنجم فروردین‌ماه سال جاری از یکی از جدیدترین شهرهای موشکی خود رونمایی و فیلم آن را به‌صورت گسترده منتشر کرد.

این رونمایی در فضای مجازی نیز مورد توجه کاربران غربی قرار گرفت. برخی از این کاربران تأکید کرده بودند که «ایران آماده است».

پیش‌تر، فرمانده نیروی هوافضای سپاه سردار امیرعلی حاجی‌زاده در مصاحبه‌ای تصریح کرده بود که اگر ایران به‌صورت هفتگی از یکی از شهرهای موشکی خود رونمایی کند؛ باز هم حتی پس از دو سال نیز این رونمایی‌ها به پایان نخواهد رسید.

نشریه آمریکایی نشنال اینترست با اشاره به حملات سال گذشته ایران به اسرائیل تأکید کرده است که ناوگان موشک‌های شهاب با سرعت بالا، تهدیدی ویژه برای دشمنان ایران محسوب می‌شود، زیرا این سلاح‌ها برد طولانی‌تری دارند.

این نشریه همچنین افزوده است که ایران دارای یک ناوگان کُشنده از موشک‌های کروز است که می‌توانند در کمتر از پانزده دقیقه به خاک اسرائیل برسند.

نشنال اینترست به تنوع موشک‌های موجود در شهر موشکی جدید ایران نیز اشاره کرده و تأکید نموده است که بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده از این ویدئو، موشک‌های عماد، حاج‌قاسم، قدر، خیبرشکن و پاوه در این تأسیسات نگهداری می‌شوند.

نشنال اینترست تصریح کرده که بر اساس گزارش مؤسسه «واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک»، ایران احتمالاً بیش از ۳۰۰۰ موشک بالستیک در زرادخانه خود دارد. این نشریه افزوده که علاوه‌بر این، تهران از یک نیروی قدرتمند موشک‌های کروز زمین‌پایه نیز برخوردار است.

تلگراف: حتی پایگاه آمریکا در اقیانوس هند هم در تیررس ایران است

روزنامه انگلیسی تلگراف نیز پیش‌تر اظهار داشته بود: ایران تهدید کرده است در صورت حمله نظامی آمریکا به این کشور، به پایگاه دریایی مشترک بریتانیا و آمریکا در اقیانوس هند (دیگو گارسیا) حمله خواهد کرد. تهران با قاطعیت به هرگونه حمله به خاک خود پاسخ خواهد داد. یک مقام ایرانی گفته است ایران توانایی هدف قرار دادن این پایگاه را با استفاده از موشک‌های میان‌برد و پهپادهای انتحاری با برد تا ۴۰۰۰ کیلومتر دارد. اگر از پایگاه‌های نظامی در منطقه برای هرگونه حمله علیه ایران استفاده شود، تهران هیچ تفاوتی بین سربازان آمریکایی یا انگلیسی یا حتی نیروهای سایر کشورهای مستقر در این پایگاه (پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند) قائل نمی‌شود.

تلگراف به نقل از وب سایت رادیو مونت کارلو فرانسه نوشت: این تهدید نشانه آشکاری است که ایران ممکن است دامنه پاسخ‌های نظامی خود را گسترش دهد تا اهدافی فراتر از منطقه خلیج‌فارس را در بر گیرد. اتفاقی که نگرانی‌ها از رویارویی نظامی گسترده‌تر را افزایش می‌دهد؛ رویارویی که فراتر از چارچوب سنتی درگیری بین دو طرف باشد.

پایگاه دیگو گارسیا یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در اقیانوس هند است که برای پشتیبانی از عملیات نظامی آمریکا در خاورمیانه و آسیا استفاده می‌شود. همچنین در جنگ‌های آمریکا در منطقه از جمله جنگ عراق و افغانستان نقش مهمی داشت. این پایگاه در جزیره انگلیسی در اقیانوس هند قرار دارد. آمریکا این جزیره را از انگلیس اجاره کرده است. حدود ۱۷۰۰ نیروی نظامی و ۱۵۰۰ نیروی غیرنظامی در جزیره ساکن هستند.

تعداد زیادی هواپیمای B-1 Lancer در پایگاه نظامی آمریکا در جزیره مستقرند. از سوی دیگر این جزیره انبار مهمات آمریکا و واحد مرکزی اطلاعات فرازمینی است. این پایگاه سری آمریکا و انگلیس، معمولاً میزبان هواپیماهای نظامی و تسلیحات استراتژیک آمریکاست.

در همین حال وبسایت دفاع پرس در گزارشی نوشت: بر اساس قابلیت‌های نظامی اعلام شده، ایران قطعاً از تسلیحات کافی برای حمله به پایگاه نظامی دیگو گارسیا برخوردار است. این در حالی است که بخش مهمی از توانایی‌های نظامی ایران به کلی سرّی است.

مهم‌ترین تجهیزات ارتش آمریکا در حال حاضر جنگنده‌های B۲ و B۵۲ است. در حال حاضر برآورد می‌شود که بین ۷ تا ۱۰ فروند از این جنگنده در پایگاه «دیگو گارسیا» واقع در منطقه «چاگوس» اقیانوس هند مستقر شده است. ایالات متحده سعی کرده این جنگنده‌ها را خارج از محدوده برد ایران نگهداری کند. اما ایران سناریوهای قاطعی برای مقابله با ارتش آمریکا و بریتانیا در اختیار دارد.

یکی از مهم‌ترین سناریوهایی که ایران می‌تواند از آن استفاده کند، حمله مستقیم پهپادی با استفاده از پهپادهای پیشرفته «شاهد ۱۳۶» است که برد آن را حدود ۴هزار کیلومتر و دقیقاً متناسب با پایگاه نظامی «دیگو گارسیا» است. آزمایش‌های قبلی نشان می‌دهد که این پهپاد از پس مأموریت‌های راهبردی و حساس برخواهد آمد.

استفاده از موشک‌های بالستیک و کروز در فواصل نزدیک به این پایگاه نظامی و استفاده از موشک‌هایی که می‌تواند دشمن را در شرایط خاص غافلگیر کند، از دیگر امکانات ایران است. موشک‌های بالستیک و بهینه‌شده «خرمشهر» می‌تواند اهداف مهم را در پایگاه دیگو گارسیا به آتش بکشد.

همچنین شناورهای رزمی غول پیکر هم با حمل موشک‌های کروز در اقیانوس هند می‌تواند اهداف مدنظر را شکار کند.

خبر ویژه

هیجان کاذب فرو نشست دلار ارزان شد، اما قیمت‌ها نه!

روزنامه اعتماد متعلق به رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت با اذعان به غیرواقعی بودن کاهش قیمت‌ها اذعان کرد که پس از مذاکرات، قیمت دلار ارزان شده، اما قیمت‌ها نه!

روزنامه اعتماد در گزارشی با عنوان «دلار ارزان شد، اما قیمت‌ها نه!»، نوشت: در سال‌های اخیر، نوسانات نرخ ارز تاثیرات عمیقی بر اقتصاد و معیشت مردم داشته است. افزایش نرخ دلار به سرعت منجر به افزایش قیمت کالاهای مختلف می‌شود اما کاهش آن به ندرت بر کاهش قیمت این کالاها می‌انجامد. این پدیده به «چسبندگی قیمت» معروف است. در حال حاضر هم که مذاکرات ایران و آمریکا در مسیر مثبتی در حال پیشروی است و نتایج این روند در کاهش نرخ دلار و طلا در بازار مشهود است؛ برخلاف انتظار عمومی، کاهش نرخ ارز تاثیر مستقیمی بر کاهش قیمت کالاها در بازار نداشته است. از این‌رو، گسست میان ارز و کالا، نگرانی‌های تازه‌ای درباره ساختار اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های اجرائی و بی‌اعتمادی عمومی به ثبات تصمیم‌ها در کشور ایجاد کرده است. موضوعی که به دغدغه اصلی مردم و محل نقد جدی کارشناسان و نمایندگان مجلس تبدیل شده است.

سؤال این‌جا است که چرا قیمت‌ها با کاهش نرخ دلار پایین نمی‌آیند؟ این عارضه همان‌طور که گفته شد، به دلیل «چسبندگی قیمت» است. به این معنا که قیمت کالاها در برابر کاهش نرخ ارز مقاومت می‌کنند. این امر به دلیل بی‌اعتمادی به ثبات اقتصادی، هزینه‌های جایگزینی، ساختارهای انحصاری و نظارت ناکافی است. اما از آنجایی که بازار با روند مثبت مذاکرات ایران و آمریکا پالس‌های مثبتی دریافت کرده و منجر به ریزش قیمت دلار و طلا در بازار شده، جامعه منتظر است این امر بر قیمت سایر کالاها هم اثرگذار باشد. در حالی که تاکنون این اتفاق نیفتاده است. به عنوان راهکار قصد داریم چند پیشنهاد برای این امر ارائه بدهیم شاید راهگشا باشد. اول اینکه می‌توان تقویت نظارت بر بازارها صورت بگیرد. راه دوم حمایت از رقابت سالم بازار و راهکار پیشنهادی سوم افزایش شفافیت اقتصادی است. علاوه‌بر موارد یادشده، با برخی نمایندگان مجلس درباره این پدیده اقتصادی گفت‌وگو کردیم که هر یک از منظر خود به آن اشاره کرده‌اند.

مصطفی پوردهقان، نماینده اردکان در گفت‌وگو با «اعتماد» با اشاره به واکنش مثبت بازار ارز و طلا به روند مذاکرات تاکید کرد که ثبات در بازار ارز، نیازمند آرامش سیاسی و پرهیز از تنش‌های غیرقابل پیش‌بینی است. او ضمن تاکید بر تاثیر مثبت مذاکرات بر کاهش نرخ ارز و طلا، نوسانات ارزی را مخرب‌ترین عامل بر اقتصاد کشور دانست. به گفته نماینده اردکان، افزایش نرخ ارز منجر به افزایش فوری قیمت‌ها می‌شود، اما در زمان کاهش نرخ دلار، فروشندگان به دلیل ذخیره‌سازی کالاها با قیمت بالا و همچنین تردید نسبت به پایداری کاهش نرخ، از کاهش قیمت‌ها خودداری می‌کنند.

حمیدرضا گودرزی، نماینده مردم الیگودرز در مجلس نیز گفت: «در شرایطی که قیمت دلار و طلا افزایش می‌یابد، تمامی کالاها نیز به طور زنجیروار دچار افزایش قیمت می‌شوند، اما زمانی که قیمت ارز کاهش می‌یابد، قیمت کالاها معمولاً به سطح قبلی خود بازنمی‌گردند. این مسئله به دلیل منافع برخی افراد است.»

روزنامه اعتماد البته در گزارش خود هیچ اشاره‌ای به این واقعیت نکرده که دولت پنجاه روز پس از برکناری وزیر اقتصاد (به‌خاطر سوءمدیریت و نقش‌آفرینی وی در ایجاد تورم) هنوز اراده‌ای برای معرفی نفر جایگزین ندارد. یا این واقعیت که دلالان، اقلامی مانند سیب‌زمینی و میوه و برنج و... را به قیمت بسیار پایین از کشاورزان و باغداران می‌خرند و به قیمت‌هایی گزاف می‌فروشند اما وزارتخانه‌های ذی‌ربط هیچ نقش نظارتی در این‌باره برای تنظیم بازار و رعایت حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده قائل نیستند.

از سوی دیگر ایجاد انتظارات و آرزوهای غیرواقعی درباره سرنوشت مذاکرات (شبیه چند سال معطل گذاشتن کشور در ماجرای برجام) موجب تردید و تعلل تولیدکنندگان و رکود اقتصادی و نهایتاً تشدید تورم می‌شود.

ضمناً بازی با قیمت ارز و دستکاری آن در فضای مجازی، به ابزار مهمی برای شرطی‌سازی و فریب مخاطبان تبدیل شده که در این حوزه نیز دولت بیشتر نقش تماشاچی منفعل را ایفا می‌کند. از همه بدتر، رفتار کسانی مانند الیاس حضرتی (مدیر روزنامه اعتماد و رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت) است که با ترویج مطالب غیرواقعی مانند جذب ۲هزار میلیارد دلار سرمایه خارجی در صورت توافق با آمریکا، به انباشتن فضای اقتصاد از حباب و عوارض منفی حاصل از آن دامن می‌زنند.

در موضوع کاهش قیمت دلار هم گفتنی است که قیمت دلار در آغاز فعالیت دولت فعلی حدود ۶۰هزار تومان بوده و تا ۱۰۵هزار تومان هم صعود کرد و بنابراین کاهش ۲۰هزار تومانی این قیمت، جای ذوق‌زدگی و خوشحالی ندارد.

تفاهم‌نامه ریلی دولت و نعل وارونه حزب کارگزاران

در حالی که دولت هاشمی و حزب کارگزاران نقش منحصر به فردی در برکشیدن بابک زنجانی داشته‌اند، ارگان مطبوعاتی این حزب ادعا کرد دولت پزشکیان به قرارداد ریلی با شرکت تابعه زنجانی تن داده تا ذی‌نفعان تحریم در روند مذاکرات کارشکنی نکنند!

روزنامه سازندگی در تحلیلی باسمه‌ای و تحریف‌آمیزنوشت: «شرکت منتسب به هلدینگ بابک زنجانی تفاهم‌نامه‌ای به ارزش ۶۱ هزار میلیارد تومان با شرکت راه‌آهن امضا کرد. نکته جالب این بود که وزیر راه و شهرسازی در مراسم امضای تفاهم‌نامه حضور داشت و به آن رسمیت بخشید. براساس قرارداد، شرکت «آوان ریل» باید برای خرید و تولید ۳۰۰ دستگاه مسافری خودکششی دیزلی، ۵۰ لکوموتیو باری و ۶۰۰ دستگاه واگن باری مخزن‌دار اقدام کند. این خبر، با موجی از واکنش‌های منفی در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد.

بابک زنجانی که به دلیل پرونده‌های سنگین فساد مالی ازجمله بدهی ۲.۵ میلیارد یورویی به وزارت نفت و نقش‌آفرینی در دور زدن تحریم‌ها در دولت احمدی‌نژاد از سال ۱۳۹۲ در زندان به سر می‌بُرد، همچنان یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های اقتصادی است. برخی تحلیلگران معتقدند که این قرارداد ممکن است بخشی از استراتژی دولت برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی افراد یا شرکت‌های خاص به منظور پیشبرد پروژه‌های کلان در شرایط تحریم باشد. این رویکرد، اگرچه می‌تواند انگیزه ذی‌نفعان تحریم برای برهم زدن توافقات بین‌المللی را کاهش دهد اما به دلیل تأثیر منفی بر اعتماد عمومی، هزینه‌های اجتماعی و سیاسی قابل توجهی به دنبال دارد.

در شبکه‌های اجتماعی، واکنش‌ها به این خبر عمدتاً منفی بوده و کاربران با اشاره به پرونده‌های قضائی زنجانی، این قرارداد را مصداق «بازگشت رانت‌خواران به اقتصاد» توصیف کرده‌اند. برخی نیز با طعنه پرسیده‌اند که چگونه دولت می‌تواند با شرکتی مرتبط با فردی محکوم همکاری کند، درحالی که اعتماد عمومی به نهادهای دولتی شکننده است. به نظر می‌رسد پزشکیان برای حفاظت از روند مذاکرات به مخالفان توافق ایران و آمریکا سهم داده است. اما سؤال این است که از منظر اقتصاد سیاسی، آیا کار آقای پزشکیان درست است؟

تصمیم‌گیری برای همکاری با چنین شرکت‌هایی ممکن است با هدف کاهش انگیزه ذی‌نفعان تحریم برای برهم زدن توافقات بین‌المللی باشد اما این رویکرد می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به دولت منجر شود.

از سوی دیگر، گمانه‌زنی‌ها درباره ارتباط این اقدام با استراتژی سیاسی پزشکیان برای مدیریت مذاکرات ایران و آمریکا، موضوعی پیچیده در اقتصاد سیاسی است که نیازمند بررسی دقیق انگیزه‌ها، پیامدها و چارچوب‌های اخلاقی و قانونی است. از منظر اقتصاد سیاسی، تصمیم‌گیری‌هایی از این دست می‌توانند به عنوان ابزاری برای ایجاد توازن در میان گروه‌های ذی‌نفع داخلی و حفظ ثبات سیاسی در راستای اهداف کلان ملی مانند پیشبرد مذاکرات بین‌المللی توجیه شوند.

با این حال، این رویکرد ممکن است با چالش‌هایی همراه باشد. در یک تحلیل مثبت، اعطای امتیاز به گروه‌های مخالف یا ذی‌نفوذ داخلی می‌تواند به کاهش تنش‌های سیاسی و ایجاد اجماع برای پیشبرد مذاکرات حساس با طرف‌های خارجی کمک کند. در شرایطی که مذاکرات ایران و آمریکا با فشارهای داخلی و خارجی مواجه است چنین اقداماتی می‌توانند به عنوان بخشی از استراتژی مدیریت بحران، حمایت گروه‌های مخالف را جلب کرده و ریسک شکست مذاکرات را کاهش دهند. از این منظر، اقدام پزشکیان می‌تواند به عنوان یک تصمیم عمل‌گرایانه در نظر گرفته شود که با هدف حفظ منافع ملی و پیشبرد دیپلماسی اتخاذ شده است. اما اعطای امتیاز به گروه‌های مخالف از طریق قراردادهای اقتصادی ممکن است به ایجاد یک چرخه ناسالم از رانت‌جویی و وابستگی گروه‌های سیاسی به امتیازات اقتصادی منجر شود».

وارونه نویسی و فرافکنی ارگان حزب کارگزاران در حالی است که بابک زنجانی، برکشیده مدیریت کارگزارانی است. ۳۰ شهریور ۱۳۹۲، چند ماه قبل از اینکه تیم «روحانی، زنگنه و جهانگیری»، بابک زنجانی را بهانه‌ای برای تسویه حساب سیاسی قرار دهند، نشریه کارگزارانی «آسمان» (به سردبیری محمد قوچانی)، گفت‌وگویی با زنجانی ترتیب داد و تصویر او را بر صفحه اول نشاند.

وی در این گفت‌وگو، درباره روند رشد خود گفته بود: «زمانی که در پادگان ولی‌عصر تهران سرباز بودم، آقای‌هاشمی رفسنجانی برای بازدید به آنجا آمدند، گفتند تعدادی سرباز برای ریاست‌جمهوری، بانک مرکزی و جاهای مختلف انتخاب کنند. وقتی به عنوان سرباز به بانک مرکزی رفتم، گفتند شما باید به‌عنوان راننده، آقای نوربخش را جابه‌جا کنید. حدود ۵ ماه از سربازی‌ام مانده بود. من در دفتر آقای نوربخش کار ثبت نامه‌ها را انجام می‌دادم، بعد هم رانندگی آقای نوربخش را می‌کردم. بعد از خدمت... آقای نوربخش ۵-۴ جا را انتخاب کرده بود و برای کنترل بازار به آنها دلار می‌داد تا در بازار پخش کنند. آقای نوربخش به من گفت شما هم در این مجموعه‌هایی که دارند دلار تزریق می‌کنند، کار کن. اولین روز، ۱۷ میلیون دلار در بازار توزیع کردم و اولین کارمزد من هم ۱۷ میلیون تومان بود. هر روز دلار می‌گرفتم و در بازار می‌فروختم... (درباره عکس با هاشمی و خاتمی و روحانی) من پیش این آقایان رفتم تا جایزه بگیرم... تا حالا ۴-۳ بار آقای هاشمی را از نزدیک دیده‌ام. بعد از انتخابات، خدمت ایشان رفتم و توضیحی درباره کارهایم به ایشان دادم.» نکته دوم اینکه برخی مدعیان اعتدال و اصلاحات، طی چند سال اخیر روایتی تحریف‌آمیز از ماجرای بابک زنجانی به دست دادند تا افکار عمومی را از فهم دقیق آغاز و فرجام ماجرای وی منحرف کنند.

آقای روحانی ۱۷ اسفند ۱۳۹۴ در یزد با اشاره به عدم بازگشت ۷/۲ میلیارد دلار پول نفت از سوی زنجانی گفته بود: حالا می‌گویند محکوم شده به اعدام. ثم ماذا؟ پول کجا رفت؟ اعدام که مشکلی را حل نمی‌کند. آنی که سؤال مردم است، این است که این پول کجا رفته است؟ قوه قضائیه پولهای غارت شده را پس بگیرد.» اما پس از آنکه پول بیت‌المال پس گرفته شد، محافل مدعی اعتدال و اصلاحات، ریل را عوض کرده و گفتند که چرا حکم زنجانی به جای اعدام، به حبس تبدیل شده است؟!

حامیان و برکشندگان دیروز زنجانی، دوست داشتند او اعدام شود و پول‌ها برنگردد تا بتواند به بازی سیاسی مبتذل خود ادامه دهند. این در حالی است که قوه قضائیه در مسیر رسیدگی، دو راه بیشتر نداشت: ۱- زنجانی را اعدام کند، اما اموال بیت‌المال به کشور برنگردد. ۲- حکم وی را به شرط همکاری برای بازگرداندن اموال، به حبس تبدیل کند.

قوه قضائیه در این زمینه گزارش داده است: دادگاه، اواخر سال ۹۴، حکم محکومیت بابک زنجانی را صادر کرد. پس از اعتراض زنجانی، دیوان عالی کشور ضمن تأیید حکم، این نکته را اضافه کرد: «در صورت استرداد اموال و جبران خسارات وارده، محکوم‌علیه استحقاق برخورداری از مقررات ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی را خواهد داشت». اردیبهشت ۱۴۰۲ با ابلاغ رئیس قوه قضائیه، فرصتی با بازه زمانی مشخص، به وی داده شد تا تکلیف بازگرداندن بدهی‌ها را مشخص کند. با تعامل دستگاه قضائی و سازمان اطلاعات سپاه، اموال بابک زنجانی با همکاری خودش در خارج شناسایی شده و مجموعه‌ای از راهکارهای اطلاعاتی و حقوقی برای بازگرداندن اموال در دستور کار قرار گرفت. محموله‌ای معادل بدهی‌های ارزی وی در بهمن ۱۴۰۲، طی چند مرحله وارد کشور شده و در اختیار بانک مرکزی قرار گرفت که ارزش آن با احتساب اموال مصادره شده قبلی، بیش از بدهی‌های وی می‌باشد».

با همین حرف‌های صد تا یک غاز قیمت ارز را ۹ برابر کردید!

در حالی که قیمت دلار در آغاز دولت فعلی ۵۹ هزار تومان بود، یک کارشناس حامی دولت گفت: در صورت توافق در مذاکرات، منتظر دلار ۶۰ هزار تومانی باشید!(!)

مرتضی افقه به روزنامه آرمان گفت: اگر مذاکرات به نتیجه برسد این احتمال وجود دارد که قیمت دلار در بازار داخلی حتی به ۶۰ تومان نیز برسد.

وی گفت: تا زمانی که نتیجه مذاکرات اعم از مثبت یا منفی به نتیجه برسد قیمت ارز و طلا در کشور متأثر از اظهارات و موضع‌گیری سیاستم